

نظام بین الملل و تاثیر آن بر نهضت مشروطه خواهی

۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ ساعت ۱۶:۳۳

در این سالها دو رویداد جهان، و بیش از همه آسیا، را تکان داد و شور و سروری در مردم سرزمینهای زیر استعمار و فشار اروپاییان برانگیخت. این دو پیشامد دگرگونساز دنیا یکی جنگ ترانسوال و دیگری پیروزی ژاپن در جنگ با روس بود....

در چند دهه پیش از جنبش مشروطه خواهی، ایران یکی از دوره های پرتنش تاریخ خود را می گذراند و در هنگامی که قدرتهای اروپایی با بهره گیری از علوم جدید و ابزارهای تمدن ماشینی در پی افزودن نیرو و توسعه نفوذ خود در جهان بوده و ملتهایی دیگر در گوشه و کنار عالم نیز بیدار شده و به پا خاسته بودند، شاه قاجار و درباریان به جای درک نیازهای زمان و تلاش برای جبران عقب ماندگی ها، جز به هوس و راحت خود نمی اندیشیدند. ایران در پی شکست نظامی از روسیه و بسته شدن پیمان ترکمانچای (۱۸۲۸)، زیر فشار دو همسایه نیرومند درآمده بود و دو دولت روس و انگلیس برای تحکیم و توسعه نفوذ خود در آسیا، ایران را در تنگنا گذاشته بودند و در تضعیف آن می آکوشیدند. این دو دولت از ایران که مالیهای بی اسروسامان داشت و بارها نیز برای جبران اشتباه کاریها و برآوردن هوس شاه به سفر فرنگ دست نیاز به سوی آنها دراز می آکرد، همه گونه امتیاز می آگرفتند. با این وجود نخستین تلاش تجددخواهی در دوره زمامداری امیرکبیر (۱۲۶۶ تا ۱۲۶۸ هـ.ق / ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۰ م) و به همت این وزیر روشن بین کاردان صورت گرفت، اما ناکام ماند.

اوضاع داخلی ایران و تاثیر آن بر مطالبات مشروطه خواهی در ایران ناصرالدین شاه در سلطنت پنجاه ساله خود، روزگاری که شاید حساسترین دوره تاریخ جهان از نظر تعیین سرنوشت ملتها در عصر جدید بود، چندان غم ملک و رفاه رعیت نداشت و همه همش بر این بود که کارها به دست صدراعظم بگردد تا او بلا دردسر به سفر و شکار و شهوترانی خود برسد. یکی از درباریان دربارۀ منش او نوشته است: «عیب کلی (ناصرالدین شاه) آن بود که از شدت غرور و تکبر احدی را در علم و تتبع از خود بالاتر نمیدانست و تمام علم و هنر، صنعت و حرفت را فقط لازمه وجود خودش میدانست... به کلی برخلاف پطرکبیر پادشاه معظم روسیه بود... که او میل داشت عاقلترین ملت روسیه خودش باشد مشروط بر این که تمام ملت او هم فاضل و کامل باشند و او به قدر شأن و جلالت ظاهری که داشت مایل [بود که] علما و فضلا هم برتری داشته باشد. ملت خود را تربیت مآکورد و خودش بهتر از آنها تحصیل مآکورد. ناصرالدین شاه فقط میل داشت که شخص خودش دارا باشد... این عیب او ایران را پایمال کرد، والا در مدت پنجاه سال سلطنت به آن استقلال که احدی نخواهد دید ممکن بود هزار قسم رعیت او تربیت شود و ترقی کند که حوصله انسانی از تصور آن خارج باشد.» ۱

ناصرالدین شاه پس از نیم قرن حکومت به استبداد و دادن امتیازهای فراوان به بیگانگان در روز جمعه ۱۸ ذیقعد ۱۳۱۳ (مه

۱۸۹۶) در حرم شاه عبدالعظیم با گلوله میرزا رضا کرمانی، از شیفتگان سیدجمال‌الدین اسدآبادی، کشته شد. این رویداد منشأ تحولی بزرگ و دامنه‌دار در تاریخ معاصر ایران بود. در خاطرات عین‌السلطنه می‌خوانیم: «معتضدالسلطنه با پسر صدراعظم و جمعی دیگر به ملاقات (میرزا رضا) رفته بودند... گفته است ظلم رفت، عدل آمد. امیرتومانی موقوف شد، لقب منسوخ شد... چرا سالی صد هزار تومان خرج عزیزالسلطان بشود... این نایب‌السلطنه چرا اسباب آن قدر خرابی بشود... بد کردم جان خودم را فدای شماها کردم؟ دیگر ظلم و ستم آن قدر نخواهد بود... این مطالب و گفته‌های او طوری شهرت پیدا کرده و شیوع یافته که هر عوام کالانعامی مباحثه و گفت و گو می‌کند و مطلب تازه به گوشش می‌خورد.»^۲

در سلطنت مظفرالدین شاه و با ضعف نفس و مزاج او، نابسامانی کارها هرچه بیشتر شد. سفرهای مکرر شاه به اروپا به بهانه‌ی معالجه، به اغوای درباریان عشرت‌طلب، نیز وضع مالی کشور را بدتر و مردم را نومیدتر کرد. عین‌السلطنه وصفی مناسب از احوال آن روز ایران آورده است: «دولت ایران حالیه نه قانون دارد نه زور. اگر بخواهد برحسب قانون مالیاتی علاوه کند نمی‌شود... زور هم نیست که به واسطه‌ی جبر و عنف کاری از پیش برود... همه کس حالت حالیه ایران را می‌داند. خداوند دولت آسمانی چین را حفظ نماید که چند سال است سپر بلا می‌شده، والا کار ما تمام و روزگار بهتر یا بدتر تکلیفات معلوم شده بود.»^۳

روس و انگلیس هر یک امتیازهای تازه می‌خواستند. براون در کتاب انقلاب ایران نوشته است که در این هنگام رقابت این دو دولت در ایران به اوج رسید.^۴

تحول فکری و اجتماعی در ایران که به تغییرهای بعدی انجامید در جریان قیام مشروطه‌خواهی پیدا شد، که با پیشرفت سریع ژاپن و تبدیل آن به یک جامعه پیشرفته آسیایی و ظهور قدرت تازه‌ای در جهان پس از پیروزی ژاپن در جنگ با روس، همزمان بود. توجه عامی که روشنفکران و اندیشمندان ایران به ژاپن یافتند در این دوره نمودار شد.

از تحولاتی که با آغاز جنبش مشروطه‌خواهی رخ داد رونق گرفتن مطبوعات بود. مطبوعات ایران که بیشتر منحصر بود به روزنامه دولتی وقایع اتفاقیه و چند روزنامه دیگر در تهران و اصفهان و شیراز و تبریز و مشهد، تعدد و تنوع بیشتری یافت و از وسایل عمده بیدار کردن مردم شد، چندان که براون آن را «قول‌ترین وسیله برای تجدید در ایران» شناخته و در کتاب مفصلی به آن پرداخته است.^۵

اوضاع جهانی و تاثیر آن بر نهضت مشروطه خواهی در ایران در این سالها دو رویداد جهان، و بیش از همه آسیا، را تکان داد و شور و سروری در مردم سرزمینهای زیر استعمار و فشار اروپاییان برانگیخت. این دو پیشامد دگرگون‌ساز دنیا یکی جنگ ترانسوال و دیگری پیروزی ژاپن در جنگ با روس بود.

پایداری جانانه‌ای که مردم سرزمین کوچک ترانسوال برای حفظ آزادی و استقلال خود در برابر قدرت جهانگیر آن روز انگلیس نشان دادند نوری از امید به دل اندیشمندان و آزادیخواهان کشورهای استعمار شده تاباند. جمهوری ترانسوال در گوشه‌ای دورافتاده از افریقا برای کانه‌های الماس و معادن سرشار خود طمع دولت بریتانیا را برانگیخته بود. مردم دو جمهوری کوچک ترانسوال و اورانژ با دلیری و از جان گذشتگی افسانه‌وار ماه‌ها با قدرت عظیم بریتانیا جنگیدند و در چند ماهه نخست فتوحات نمایان کردند تا این که دولت انگلیس سپهسالار نامی خود لرد رابرت را با لرد کیچنر فاتح سودان و نزدیک به دویست هزار سپاهی به آنجا فرستاد و رفته‌رفته غلبه یافت. نزدیک چهل هزار انگلیسی در این جنگ از میان رفتند. عین‌السلطنه در روزنامه سه شنبه یازدهم ربیع الثانی ۱۳۱۸ خود آورده است: «از رشادت و جلالت بوئرها هر چه نوشته شود کم است. این یک مشت جمعیت در

آزادی مملکت خود فوق‌العاده ایستادگی کردند و هنوز هم می‌گویند: «۶»

در گوشه دیگری از جهان در خاور دور، پیروزی شگفت‌انگیز ژاپن بر روسیه، قدرتی که در پی شکستهای ننگین و خفت‌آبار ایران از قشون تزار در دلها رعب افکنده و پشتوانه حکومت مطلقه در ایران بود، حیرت و تحسین ایرانیان را برانگیخت. ژاپن در جنگ با چین (۹۵ - ۱۸۹۴م) طعم پیروزی را چشیده، اما در نتیجه مداخله و فشار سه دولت روسیه، فرانسه و آلمان از بیشتر دستاوردهایش محروم مانده بود. این سه دولت به چین وام دادند و منابع ثروت آن را وثیقه برداشتند. بریتانیا نیز امتیازهایی گرفت. این تاراجگری قدرتهای استعماری، ژاپن را نگران ساخت، تا این که در میانه آشوبی که در چین پیش آمده بود فرصتی برای اصلاح وضع نامطلوب خود یافت. در سال ۱۸۹۹ مقاومت چینیها در برابر تاراج خارجیها به صورت شورشیهای دامنه‌داری بروز کرد. شورشیان راه‌هایی را که به پکن می‌رسید بستند و نمایندگیهای خارجی را محاصره کردند. از دولتهای طرف پیمان با چین، فقط ژاپن در وضعی بود که توانست به درخواست دولتهای غربی، به خصوص انگلیس، نیروی عمده‌ای به سرعت به آنجا برساند و با این کار سهمی از غرامت هنگفتی را که قرار شد چین بپردازد، به دست آورد. به دنبال این پیروزی نظامی و سیاسی، روابط ژاپن با روسیه تیره‌تر شد. این دولت که از نقشه‌ها و عملیات آزاد کردن نمایندگیهای خارجی در پکن دور نگهداشته شده بود گسترش شورش به ایالات شمال شرقی چین را بهانه ساخت و سراسر منچوری را اشغال کرد.

در کره نیز شورشی درگرفت، و روسیه به این بهانه به میدان آمد. قدرت حکومت تزاری در منچوری و کره روزافزون و مایه دردسر بزرگی برای ژاپن شد. یک نتیجه این وضع، نزدیک شدن ژاپن به بریتانیا بود. این هر دو، توسعه ارضی روسیه را نمی‌خواستند. پیمان اتحاد ژاپن و بریتانیا که در ۳۰ ژانویه ۱۹۰۲ امضا شد این واقعیت را که «ژاپن، علاوه بر منافعی که در چین دارد، به درجهای ویژه از نظر سیاسی و نیز تجاری و صنعتی در کره هم ذیعلاقه است» شناساند. این دو کشور توافق کردند که اگر یک‌کشان درگیر مخاصمهای در شرق دور بشود دیگری بلاطرف بماند.

جنگ روس و ژاپن دو سال پس از امضای پیمان اتحاد با بریتانیا درگرفت. نظامیان با شوق به جبهه‌ها شتافتند و بیشتر مردم هم بر این عقیده بودند که ژاپن راهی جز جنگ ندارد. در ماه آوریل ۱۹۰۲ روسیه با بیرون بردن قوایش از منچوری موافقت نموده، اما خلاف عهد نشان داده بود. ژاپن در ژانویه ۱۹۰۴ اولتیماتومی داد، و در تاریخ ۶ فوریه مذاکره و روابط سیاسی را با روسیه قطع کرد و روز ۱۰ فوریه اعلان جنگ داد.

ژاپن از این جنگ پیروز برآمد و بر پیمان پُرتسموث (Portsmouth) که با میانجیگری رئیس‌جمهور امریکا در ۵ سپتامبر ۱۹۰۵ امضا شد روسها پذیرفتند که منافع اعلای سیاسی، نظامی و اقتصادی ژاپن را در کره بشناسند، اجاره شبه‌جزیره لیائوتونگ (از چین) را به ژاپن انتقال دهند، و راه‌آهنی را که پورت آرتور را به موکدن می‌پیوست و همچنین نیمه جنوبی جزیره ساخالین را با حقوق خاص ماهیگیری به ژاپن واگذارند. ۷

جنگ روس و ژاپن از دو جهت برای ایران اهمیت داشت: یکی اثری که در وضع روس، که در رقابت با انگلیس در پی توسعه نفوذ خود در ایران بود، نهاد؛ و دیگر تحولی که در اندیشه ایرانیان پدید آورد. سه رویداد مهم که در نخستین سالهای سده بیستم در ایران و جهان پیش آمد، و دنباله تحولات گذشته بود، یعنی شکست روسیه از ژاپن، انقلاب اکتبر روسیه (۱۹۰۵م) و اعطای مشروطیت در ایران (۱۳۲۴ه / ۱۹۰۶م). توالی و ارتباطی منطقی داشت. پیش از این سالها هم، مشروطیت ژاپن که در پی پیشرفتهای علمی و فنی و اجتماعی سریع و چشمگیر این کشور در ۱۱ فوریه ۱۸۸۹ اعطا شده بود، ایرانیان را به تحولی سیاسی و

اجتماعی امیدوار ساخت. اثر این تغییر شیوه حکومت در ژاپن پیشرو چنان بود که حتی مظفرالدین شاه را به فکر انداخته به نوعی که بعدها شاه قاجار را در امضای فرمان مشروطیت ترغیب نمود.

پی نوشتها:

۱. عینالسلطنه، قهرمان میرزا سالور. روزنامه خاطرات عینالسلطنه. به کوشش ایرج افشار. تهران: اساطیر ۱۳۷۴، صص ۱۳۳۹-۴۰ از روزنامه مورخ سه شنبه ۲۴ جماد الاولی ۱۳۱۶.
۲. همانجا، صص ۵۷-۹۵۶.
۳. همانجا، (از روزنامه پنجشنبه ۲۶ ربیعالثانی ۱۳۱۸) ص ۱۳۱۸ (اشاره است به شورش «بوکسورها» در چین که بهانه به دست دولتهای اروپایی برای مداخله در آنجا و تقسیم منابع و ثروت آن میان خود داد، و همسایگان مقتدر ایران گرد این طعمه بزرگ سرگرم بودند).
- ۴- E.G.Brawme. Persian Revolution of ۱۹۰۵-۱۹۵۹, London, ۱۹۶۶. p. ۱۰۶.
- ۵-E.G.Brawne. The Press & Poetry in Modern Persia. Cambridge, ۱۹۱۴.
۶. عینالسلطنه، پیشین، ص ۱۴۷۲.
۷. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: هاشم رجب‌زاده. تاریخ ژاپن از آغاز تا معاصر. تهران، ۱۳۶۶. صص ۳۱۷ تا ۳۴۳.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۴۹۱۷۹/الملل-بین-نظام-خواهی-مشروطه-نهضت-تأثیر>